



The New York Times



خبر

انرژی هسته ای واقعی

از نیت هسته‌ای ایران خبر ندارید!

مثل اینکه رسانه‌های مختلف آمریکایی دست به دست هم داده‌اند تا اثرات منفی گزارش نهادهای اطلاعاتی کشورشان به نفع ایران را از بین ببرند. در این میان روزنامه «نیویورک تایمز» با انتشار مقاله‌ای ادعا کرده است که نهادهای اطلاعاتی آمریکا از نیت هسته‌ای ایران بی‌خبرند.

این روزنامه برای اثبات این مدعا کتاب درسی سال اول راهنمایی دانش‌آموزان ایرانی را دستمایه خود قرار داده و نوشته است محتوای کتب درسی مدارس ایران نشان می‌دهد که دانش‌آموزان ایرانی از همان ابتدا یاد می‌گیرند که باید برای فراهم کردن پیروزی جهان اسلام مبارزه کنند و شهادت را بپذیرند.

البته نمی‌دانیم این روزنامه چگونه می‌خواسته از این راه اهداف هسته‌ای ایران را بیان کند زیرا از طرفی پرداختن به پیام‌های دینی فرهنگی و آماده کردن جوانان برای مقابله با هرگونه تجاوز بیگانگان از ضروریات هر کشور مستقل و دارای پشتوانه فکری است و از طرف دیگر گوشه گوشه جهان دستخوش جنگ‌افروزی‌های سردمداران کاخ سفید قرار دارد. به نظر شما محتوای کتب درسی نوجوانان آمریکایی چیست؟

پرتوپلاترین‌ها

بوش و شیرین جایزه گرفتند

پس از این که شیرین عبادی به خاطر همراهی با مخالفان ملت ایران جایزه کلمبو را دریافت کرد جورج بوش نیز برنده نامفهوم‌ترین و پرت و پلا گوتترین فرد انگلیسی زبان شد.

به نظر می‌رسد جایزه شیرین عبادی هم خیلی با جایزه بوش بی‌ربط نیست چون جایزه کلمبو پیش‌تر به سیاستمداران مورد علاقه آمریکا نظیر واتسلاو هاول، پطرس غالی، یرژی بوزک و... پرداخت شده است و تاکنون سیاستمداران آمریکا گوی سبقت را در گرفتن جایزه پرتوپلاترین‌ها برده‌اند. برای اینکه بیشتر باور کنید بدانید که پارسال هم دونالد رامسفلد وزیر دفاع پیشین آمریکا موفق به کسب این جایزه شده است.

فایده حماقت

استفاده از مأموران سیا به جای گاوآهن

یک سایت ضدآمریکایی فرانسوی برای مسخره کردن آمریکایی‌ها و سازمان‌های رنکارنگ اطلاعاتی‌شان، و اینکه نشان بدهد آن‌ها حتی از سایه خودشان هم وحشت دارند، لطیفه‌ای تعریف می‌کند با عنوان خوشمزه‌ی یک تروریست، که خواندنش خالی از لطف نیست.

پیرمرد عربی که بیش از چهل سال پیش در شیکاگو زندگی می‌کرده، دوست داشت حالا در باغچه کوچک خانه‌اش سیب‌زمینی بکارند، اما تنها، فرسوده و ناتوان بود. پس برای تنها پرسش که در پاریس درس می‌خواند، نامه‌ای الکترونیک نوشت که «احمد عزیز، خیلی غمگین و ناراحت، چون نمی‌توانم در باغچه‌ام سیب‌زمینی بکارم. مطمئنم که اگر تو این‌جا بودی می‌توانستی به من کمک کنی تا زمین را شخم بزنم. دوست دارم، پدر!» فردای آن روز، پیرمرد نامه‌ای از پرسش دریافت کرد که: «پدر عزیز! خواهش می‌کنم لطفاً اصلاً به باغچه دست نزن، من «چیزی» آن‌جا مخفی کرده‌ام!»

و ساعت چهار صبح بود که سروکله ارتش آمریکا، تفنگداران، «اف‌بی‌ای»، «سیا» و حتی یک واحد از نیروهای زبده در خانه پیرمرد پیدا شد. آن‌ها ریختند و ساعت‌ها همه باغچه را میلیمتر به میلیمتر زیر و رو کردند، اما چیزی پیدا نشد که نشد... پس بناچار، دست از پا درازتر خانه پیرمرد را ترک کردند. فردای این روز، پیرمرد نامه دیگری از پرسش دریافت کرد که در آن نوشته شده بود: «خوب، پدر عزیز، مطمئنم که تا حالا دیگر همه باغچه‌ات درست و حسابی زیر رو شده و تو دیگر می‌توانی با خیال راحت سیب‌زمینی‌هایت را بکاری! راستش راه بهتری برای کمک کردن به تو به ذهنم نرسید. دوست دارم، احمد!»



تفاوت ایران و آمریکا

خاطره‌ای از پروفیسور حمید مولانا

چندی پیش که در مراسم بزرگداشت هشتصدمین سالگرد تولد مولانا حضور داشتم، یکی از شرکت‌کنندگان خارجی وقتی فهمید که در آمریکا زندگی می‌کنم و به تدریس مشغولم، از من پرسید: فرق آمریکا و ایران در خلاصه کلام برای تو در چیست؟ من دیدم هیچ پاسخی بهتر از این نیست که به او بگویم فرقی این است که ما الان در مراسمی شرکت کرده‌ایم که برای گرامی‌داشت هشتصدمین سالگرد تولد یک شاعر و عارف برگزار شده است و رئیس‌جمهور در این جلسه حضور دارد و سخنرانی می‌کند. رئیس پارلمان ما ریاست جلسه را بر عهده دارد. وزیر فرهنگ و ارشاد و تعدادی از نمایندگان مجلس ما در این جلسه حضور دارند، بنابراین مسأله‌ای را که در ایران با چنین اهمیتی شاهد آن هستیم در تاریخ آمریکا مشابهی برای آن نمی‌توانید بیابید. من که پنجاه سال در آمریکا زندگی کرده‌ام به یاد ندارم که یک رئیس‌جمهور آمریکایی به کنگره بین‌المللی شعر و ادبیات برود، حالا چه برسد به این که در آن‌جا صحبت کند. همین الان ترجمه مثنوی مولانا، پرتیراژترین کتاب شعری آمریکاست؛ بنابراین بهترین فرق ایران و آمریکا واقعاً در همین است و این چیزی است که ما در اختیار داریم و آن‌ها هرگز قادر به تولید یا به دست آوردن آن نیستند؛ ولی توپ و تفنگ چیزهایی هستند که هم آن‌ها ممکن است داشته باشند و هم ما داشته باشیم. به عقیده من به عنوان استاد روابط بین‌الملل، ما باید از گزینه‌هایی که داریم و آن‌ها فاقد آن‌ها هستند در عرصه جهانی بیش‌ترین استفاده را ببریم.

